

قصه سینما جات عهد بوق

تاریخ سینمای ایران برای نوجوانان

سیدعلی کاشفی خوانساری



نشر گویا

سرشناسه: کاشفی خوانساری، سید علی، ۱۳۵۰

عنوان و نام پدیدآور: قصه سینماجات عهد بوق: تاریخ سینمای ایران برای نوجوانان

مشخصات نشر: تهران: نشر گویا، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۲۸-۶۷-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: چاپ قبلی، انتشارات حوا، ۱۳۹۴

یادداشت: کتابنامه صفحه ۱۵۹-۱۶۰

عنوان دیگر: تاریخ سینمای ایران برای نوجوانان.

رده‌بندی کنگره: PN ۱۹۹۳/۵

رده‌بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۹۵۵ ج

شماره شابک: ۶۰۵۴۹۶۸ ملی



نشر گویا

سیابان کریم‌خان زند، روبروی ایرانشهر، پلاک ۸۹

تلفن: ۸۸۳۱۳۴۳۱ - ۸۸۸۲۸۸۸۴

www.gooyabooks.com info@gooyapu.com



gooya.publication

gooyabookstore

قصه سینماجات عهد بوق

(تاریخ سینمای ایران برای نوجوانان)

سید علی کاشفی خوانساری

طراح جلد: پژمان رحیمی زاده

چاپ نخست: ۱۳۹۸

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۹۴-۶۷-۱

چاپ: خانه‌ی فرهنگ و هنر گویا

حق چاپ و انتشار کلیه‌ی مطالب محفوظ می‌باشد.

هرگونه اقتباس و استفاده از مطالب منوط به دریافت اجازه از ناشر می‌باشد.

۷	لطفاً این مقدمه را نخوانید!
۱۳	ابراهیم خان اول و حکایت آشنایی با سینماتوگراف
۱۹	ابراهیم خان دوم و بلیت‌های یک قرانی
۲۷	آغاز رقابت سوزنده
۳۳	مدرسه آرتیستی و آبی و رابی
۳۹	از حاجی آقا آک‌تور سینما تا بشقاب‌پرنده
۴۵	خودکشی ممنوع یا ماهیان فیلم‌دوست
۵۳	تهرون ترون که می‌گن شهر خوبیه
۵۹	از آرگردانی تا کارخانه صنایع پشم
۶۷	تولید تعاون، هیاهای بامزه شروع می‌شود
۷۳	کوشش‌های شوشان
۷۹	فیلمفارسی با رقص و آهنگ نیست
۸۵	لات جوانمرد و شب‌نشینی در حرم
۹۱	وقتی همه گنج‌قارون می‌خواستند
۹۹	قیصر و گاو وارد می‌شوند
۱۰۷	ماجرای حسن کچل و آقای هالو
۱۱۳	کمیت بیست! کیفیت نیست!
۱۱۹	سینما در تنگنا، تنگنا در سینما
۱۲۱	اوج ابتذال
۱۳۱	گوزن‌ها اعتراض می‌کنند
۱۳۷	ورشکستگی سینما
۱۴۳	فریاد سوت‌دلان زیر آب
۱۵۱	پایان برای آغازی دوباره
۱۵۷	منابع

لطفاً این مقدمه را نخوانید!

سهالو، برادر باریک، نوری شدید و خیره‌کننده روی پرده بزرگی می‌پاشد و یک‌باره آدم‌هایی روی پرده جان می‌گیرند. می‌دوند، تیراندازی می‌کنند، می‌خندان، گریه می‌کنند و...

دفعه اول که سینما رفتی چه حالی داشتی؟... فیلم‌های سینمایی را که توی تلویزیون یا ویدئو می‌بینی چه طور؟... من که خیلی وقت‌ها خودم را جای قهرمان فیلم تصور می‌کنم با اوسمی ده م، زمین می‌خورم، خشمگین می‌شوم. پیش خودمان بماند؛ کسی عاشق می‌شوم. سینما جای عجیبی است من که پای فیلم‌ها خیلی گریه کرده‌ام. خیلی به خودم قول داده‌ام و قرارهای جدید گذاشته‌ام... شما چطور؟

چقدر زیادند نوجوانانی که دوست دارند هنر باشد، شوند یا کارگردان یا هر شغل دیگری که به سینما مربوط باشد. خیلی‌ها یک دلم که می‌بینند چند بار آن را با آب و تاب برای بقیه تعریف می‌کنند و بعد از دیدن یک فیلم آماده‌اند که ساعت‌ها درباره آن بحث و جان کنند. این فقط مخصوص نوجوان‌ها نیست؛ بزرگ‌ترها را هم ببینید، هنوز هم هر وقت پا بدهد با ذوق و شوق از فیلم‌هایی که در جوانی دیده‌اند حرف می‌زنند.

مشتاقان نوجوان سینما خیلی زیادند اما تنها عده محدودی از آن‌ها سینماگر می‌شوند. شاید همین‌طور درست باشد. چون مگر یک مملکت

چند تا هنرپیشه و کارگردان می‌تواند داشته باشد. اما آن‌هایی هم که مستقیماً وارد سینما نمی‌شوند، با سینما قهر نمی‌کنند. آن‌ها باز هم در سالن‌های سینما یا پای تلویزیون و ویدئو فیلم می‌بینند، مجله‌های سینمایی می‌خوانند و درباره سینما بحث می‌کنند. نوجوان‌ها به مرور سلیقه‌شان بسالا می‌رود و دیگر هر فیلمی آن‌ها را راضی نمی‌کند. بچه‌ها طرفدار فیلم خوب هستند و یواش یواش برای خودشان، معیارهایی درباره فیلم خوب دارند. یواش یواش فیلم‌های یک کارگردان را با هم مقایسه می‌کنند. فیلم‌های چند کارگردان را با یکدیگر؛ در صحبت‌هایشان نمونه‌هایی از فیلم‌های قدیمی ایرانی یا خارجی می‌آورند و سعی می‌کنند حرف‌هایشان جای‌تر و منطقی‌تر باشد.

چون بخواهیم به طور عملی در تولید فیلم‌ها وارد شویم یا بخواهیم به عنوان یک نویسنده و منتقد سینمایی در دنیای سینما زندگی کنیم و چه بخواهیم مثل یک بیننده حرفه‌ای، هنر سینما را به طور جدی بشناسیم، از آن لذت ببریم و آن را تحلیل کنیم، بهتر است که از تاریخ سینما هم باخبر باشیم. راستش موقعی که کم‌وبیش از ماجراهای تاریخ سینمای ایران طی صد و چند سالی از عمر سینما می‌گذرد خبر نداشته باشیم نمی‌توانیم درست و حسابی درباره سینمای امروز قضاوت کنیم. به قول بزرگ‌ترها برای شناخت هر چیزی باید نگاه تاریخی داشت!

سینمای ایران بیش از هشتاد سال از عمرش می‌گذرد. کارنامه هشتاد ساله سینما بدون عیب و نقص نیست. سینمای ما در این سال‌ها با زشتی‌هایی همراه بوده که تا از آن باخبر نباشیم ریشه‌های آن را درک نخواهیم کرد. همین‌طور از اتفاقات جالب و شنیدنی دوران که گاهی آدم را به خنده می‌اندازد و گاهی به فکر فرو می‌برد.

سینما وسیله قدرتمندی است. فیلم‌های سینمایی می‌توانند افکار جامعه را نسبت به یک مسئله جلب کنند، می‌توانند نگاه یا عقیده مردم را درباره موضوعی تغییر دهند، می‌توانند....

سینما مثل هر رسانه دیگر می‌تواند نقش‌هایی را مثل اطلاع‌رسانی، آموزش، سرگرمی و... به عهده گیرد اما در بسیاری از کشورهای دنیا بیشتر

به نقش سرگرمی سینما توجه دارند. سینما از مسائل مهمی که به زندگی سیاسی و اجتماعی مردم ارتباط می‌یابد و از بی‌عدالتی‌ها سخنی نمی‌گوید. در بیشتر کشورهای جهان سینما یک صنعت و تجارت پردرآمد است که سستارگان آن به الگوهای پوشالی مردم بدل می‌شوند و مد لباس و موی آن‌ها را تعیین می‌کنند. این سینما تنها به خوشگذرانی‌ها و خواسته‌های سطح پایین انسان توجه دارد و از نیازهای متعالی انسان و معنویت کمتر سخن می‌گوید. این مسئله در مورد سینمای قبل از انقلاب ایران هم - که در این کتاب از آن صحبت خواهیم کرد - مصداق داشت و کمتر در آن مسائل ای از زندگی واقعی مردم و باورهای دینی آن‌ها یافت می‌شد. حکایت آن روز ایران هم همین نوع از سینما را می‌پسندید و آن را ترویج می‌کرد.

از سینما ما می‌توانیم سبیل قدرتمند دیگری می‌شود استفاده‌های خوب یا بد کرد. سینما و به تفکات خیلی از مردم جهان بوده و هست اما این تنها یک روی سکه است. یک از دوستان می‌گوید: «با سینما هم می‌شود به مردم و به خوبی‌ها خدمت کرد، از راه سینما هم می‌توان به خدا رسید.» شما چه می‌گویید؟